

اهمیت فراگیری اصطلاحات

اصطلاحات (idioms) کلمات و عبارات ثابتی هستند که یا از لحاظ گرامری غیرعادی هستند (مثل «Long time, no see!» و یا از این جهت که دارای معنی‌ای هستند که نمی‌تواند از معانی کلمات تشکیل دهنده آن استخراج شود (مانند: **It's raining cats and dogs!**).

هر زبانی دارای اصطلاحات خاص خودش می‌باشد و اغلب فراگیری آنها برای زبان‌آموزها دشوار می‌باشد.

مثال:

معنی تحت‌اللفظی (نه یک اصطلاح):

- **She broke the ice with a small hammer and dropped it into the blender.**

- او با کمک یک چکش کوچک یخ را شکست و آن را داخل دستگاه مخلوط کن انداخت .

معنی اصطلاحی (یک اصطلاح):

- **Before the conference began, the speaker broke the ice with a joke.**

- قبل از آغاز کنفرانس، گوینده با یک لطیفه کارش را شروع کرد .

همانطور که می‌بینید، این عبارت (to break the ice) دو معنی متفاوت دارد که معنی تحت‌اللفظی آن «شکستن یخ» و معنی اصطلاحی آن «کاری را آغاز کردن» می‌باشد .

افعال چند قسمتی (Phrasal verbs) نوع دیگری از اصطلاحات هستند که آنها را اغلب در انگلیسی محاوره‌ای می‌توان شنید. ساختار افعال چند قسمتی به صورت فعل + حرف اضافه (verb + preposition) می‌باشد و غالباً از ۲ و گاهی ۳ کلمه تشکیل می‌شوند . یک فعل چند قسمتی برای خود معنی خاصی دارد که با معنی کلمات تشکیل دهنده آن متفاوت است .

back out زدن، خلف وعده کردن جر

put off تعویق انداختن به

show off خودنمایی کردن

اصطلاحات و افعال چند قسمتی در انگلیسی محاوره‌ای نیز بسیار مورد استفاده قرار می‌گیرند و در بسیاری از آزمونهای زبان انگلیسی و از جمله در بخش شنیداری آزمون تافل نیز مهارت شما در شناخت و درک اصطلاحات انگلیسی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد .

اصطلاحات نقش بسیار مهمی را در زبان انگلیسی ایفا می‌کنند و در واقع کاربرد آنها چنان گسترده است که برای برقراری ارتباط مؤثر، چه در شنیدن و صحبت کردن و چه در خواندن و نوشتن، کاملاً ضروری به نظر می‌رسند .

درک صحیح این اصطلاحات و یافتن این حس که آنها کی و چگونه مورد استفاده قرار بگیرند واقعاً می‌تواند توانایی شما را در خواندن متون انگلیسی و درک مکالمات روزمره افزایش دهد . اما چطور می‌توان این حجم زیاد اصطلاحاتی را که در نوشتارهای روزمره وجود دارد، فرا گرفت؟

یک راه این است که لغات کلیدی خاصی را در زبان انگلیسی در نظر بگیرید و اصطلاحات مرتبط با آن را فرا بگیرید. بعنوان مثال لغت **head**، لغت کلیدی بسیاری از اصطلاحات است. یک «دیکشنری اصطلاحات» خوب حداقل ۴۰ اصطلاح روزمره که دربرگیرنده این لغت می‌باشد را فهرست می‌کند. لغات کلیدی دیگری که با این هدف می‌توان جستجو کرد عبارتند از: رنگها، حیوانات معمولی، اعضای بدن (مثل چشم **eye**: پدیده‌های طبیعی (مثل باد **wind** :، خورشید **sun** و ...)...

یک روش دیگر آن است که اصطلاحات انگلیسی را با اصطلاحات زبان مادری خودتان مقایسه کنید. این می‌تواند یک تمرین جالب و در عین حال وسیله‌ای برای بخاطر سپردن مؤثرتر اصطلاحات باشد . مثالهای زیر را در نظر بگیرید و به شباهتشان با معنی فارسی آنها دقت کنید:

Close your eyes to something

معادل فارسی : چشم پوشی کردن / معنی ظاهری: چشم خود را بر روی چیزی بستن

Button one's lips

معادل فارسی: زیپ دهان خود را کشیدن / معنی ظاهری: دکمه‌های لب خود را بستن!

Get something off one's chest

معادل فارسی: دل خود را خالی کردن / معنی ظاهری: چیزی را از سینه خود خارج کردن

Get up on the wrong side of the bed

معادل فارسی: از دنده چپ برخاستن / معنی ظاهری: از سمت نادرست تخت برخاستن

Give someone the cold shoulder

معادل فارسی: با کسی سرد برخورد کردن / معنی ظاهری: به کسی شانه سرد دادن!

Stand on one's own two feet

معادل فارسی: روی پای خود ایستادن / معنی ظاهری: روی دو پای خود ایستادن

Open a can of worms

معادل فارسی: آتش در لانه زنبور کردن / معنی ظاهری: یک قوطی پر از کرم را باز کردن

Scrape the bottom of the barrel

معادل فارسی: کفگیر به ته دیگ رسیده / معنی ظاهری: ته بشکه را تمیز کردن

Two heads are better than one

معادل فارسی: یک دست صدا ندارد / معنی ظاهری: دو تا کله بهتر از یکی است

Keep something under one's hat

معادل فارسی: تو دل خود نگه داشتن / معنی ظاهری: چیزی را زیر کلاه خود نگه داشتن

A bad vessel is seldom broken

معادل فارسی: بادمجان بم آفت ندارد / معنی ظاهری: یک ظرف بد به ندرت می‌شکند

White lie

معادل فارسی: دروغ مصلحت آمیز / معنی ظاهری: دروغ سفید

در ضمن بخاطر داشته باشید که با اصطلاحات همانند یک «تک واژه» برخورد کنید: یعنی همیشه کل عبارت را در دفتر لغتتان یادداشت کنید و از یادداشت یک یا چند کلمه از اصطلاح مورد نظر و یافتن معنی آنها خودداری نمایید، زیرا همانطور که گفته شد اصطلاحات برای خود معنی خاصی دارند و با معانی کلمات تشکیل دهنده خود تفاوت اساسی دارند.
